مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۵

دکتر کریم حسین زاده دلیر
سعید ملکی
دانشگاه تبریز

بررسی وضعیّت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در استان ایلام

چکیده

در این مقاله استان‌های کشور به‌ویژه استان ایلام، از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش‌های توصیفی و موردی ـ ژرفانگر است، که از روش توصیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مستخرج از اسناد و مدارک علمی و معتبر و در تحلیل این شاخص‌ها در استان‌های کشور به‌ویژه استان ایلام، از روش موردی ـ زمینه‌ای استفاده شده است.

نتایج به دست آمده مطالعه نشان می دهد که از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، استان‌های تهران،اصفهان،قزوین، گیلان وفارس به دلیل بالا بودن سطح درآمدی و آموزش و وضعیّت بهتر امید به زندگی از سایر استان‌ها بالاتر بوده‌اند و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان،اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد از این لحاظ، در پایین ترین سطح توسعه‌ی انسانی قرار گرفته اند.پایین بودن سطح درآمدها،سطح پایین سرمایه گذاری زیربنایی و کیفیّت پایین زندگی، از جمله دلایل مهم در این خصوص است.عامل مشترکی که در روند توسعه‌ی انسانی بیشتر استان‌ها به چشم می خورد، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آن‌ها در مقایسه با شاخص درآمدی، در وضعیّت بهتری قرار دارند.همچنین نتایج بررسی و تحلیل‌ها نشان می دهد که استان ایلام با رتبه‌ی ۲۲ در بین استان‌های کشور در جایگاه نامطلوب و نامناسبی قرار گرفته است.از مهمترین دلایل آن می توان به متوسط امید به زندگی(۶۴سال) با رتبه‌ی۲۵،نرخ سوادبزرگسالان(۶۷٪) با رتبه‌ی۲۲ و هزینه‌ی سرانه ناخالص(۱۴۰۹هزارریال) رتبه‌ی ۲۳در سطح کشور اشاره کرد.شاخص دیگر، توسعه‌ی وابسته به جنس، که معادل ۵۲٪می باشد، در رتبه‌ی هجدهم قرار گرفته است.از مهمترین دلایل پایین بودن این شاخص

نسبت به متوسط کشور، تفاوت زیاد بین نرخ باسوادی بزرگسالان مرد(۷۴/۴٪) و بزرگسالان زن(۵۸/۴٪) می‌باشد. همچنین، سهم نسبی درآمد زنان استان، معادل۷/۸٪بوده که نسبت به متوسط ملی حدود۲٪فاصله دارد و استان را در رتبه‌ی هجدهم قرار داده است.شاخص توانمندسازی جنسیّتی استان معادل۲۲۶/بوده که فاصله‌ی زیادی نسبت به متوسط ملّی(۳۰۰/.) داشته است و مقدار آن نیز برای استان در سطح مطلوبی قرار نداشته، تا حدّی که در رتبه‌ی بیستم قرار گرفته است.شاخص فقر انسانی استان، معادل ۲۳/۷بوده که در رتبه‌ی پانزدهم قرار گرفته است، یعنی در وضعیّتی تقریباً پایین‌تر از حدود نیمی از مناطق کشور قرار دارد. بالا بودن نرخ بی سوادی بزرگسالان۳۳٪، پایین بودن نسبت هزینه‌ی سرانه ناخالص برای ۲۰٪فقیرترین افراد(۴۳۵هزارریال) در مقایسه باهزینه‌ی سرانه‌ی ناخالص برای ۲۰٪ غنی‌ترین افراد(۲۸۶۸هزارریال) استان که در حدود۱۵/۳٪ می باشد، از مهمترین علل فقر انسانی استان محسوب می شوند.وضعیّت توسعه‌ی انسانی نامطلوب در این استان، دلایل متعددی دارد که می‌توان به کمبود امکانات اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی،پایین بودن هزینه‌ی سرانه ناخالص و درآمد سرانه، نرخ اندک پس‌انداز وکمبود سرمایه‌گذاری،امید به زندگی پایین ومیزان بالای بی‌سوادی بزرگسالان (حدود۳۳٪) اشاره کرد.

درآمد:

اساس حرکت هر جامعه برای رسیدن به توسعه،عامل انسانی است.انسان‌ها هم عاملان توسعه و هم هدف نهایی آن هستند.به دلیل چنین اهمیتی،امروزه توسعه‌ی مردم محور در مرکز توجه بحث‌های توسعه‌ی انسانی قرار دارد.لذا بررسی ابعاد مختلف پیشرفت‌های انسانی، از قبیل اوضاع و احوال اقتصادی، فرهنگی و...،در چارچوب توسعه‌ی پایدار یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر مباحث توسعه برای هر منطقه به شمار می‌رود.

پروفسور فردریک هاربیسون[1] در باره‌ی اهمیت منابع انسانی می گوید(پاپلی یزدی و ابراهیمی،۱۳۸۱:۴۶)منابع انسانی پایه‌ی اصلی ثروت ملّت‌ها را تشکیل می دهند،سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند.در حالی که انسان‌ها عوامل فعّالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می سازند، از منابع طبیعی بهره برداری می کنند، سازمان‌های اجتماعی–اقتصادی و سیاسی را می سازند و توسعه‌ی ملی را به پیش می برند.

1. Frederick Harbison

آمارتیاسن[1] یکی از مؤثرترین افرادی است که در توسعه‌ی این ایده نقش زیادی داشته است.ایشان با طرح ایده‌ی ظرفیّت‌ها و کارکردهای انسانی، این واقعیّت را بیان کرده است که دست‌یابی به زندگی بهتر،هم نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات و هم ثمره‌ی پرورش و رشد استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. لذا گسترش ظرفیّت‌های ذهنی او از طریق آموزش و تحصیلات در کنار درآمد، از عناصر اصلی توسعه‌ی انسانی به شمار می‌رود. (صفوی،۱۳۸۳: ۲۶۰).بر این اساس، کشوری که قادر به افزایش دانش و آگاهی انسان‌ها باشد و راه درست بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی را بیاموزد، در فرایند توسعه موفق تر خواهد شد.

در این مقاله پس از بیان مفهوم توسعه‌ی انسانی، به تبیین نقش و ضرورت توسعه‌ی انسانی پایدار پرداخته شده، سپس مؤلّفه‌های شاخص‌های توسعه‌ی انسانی به طور اجمالی معرّفی شده است، در ادامه بحث وضعیّت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی درایران و استان‌های کشور مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در پایان به بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در استان ایلام پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های توصیفی و موردی -ژرفانگر است که از روش توصیفی مبتنی بر اطّلاعات ارائه شده در اسناد و مدارک کتابخانه‌ای سازمانهای مختلف انتخاب شده است،سپس با بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران و نیز استان‌های کشور، به‌ویژه استان ایلام، از روش موردی زمینه‌ای استفاده شده است. تکنیک گردآوری آمار و اطّلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای مراکز علمی همچون دانشگاهها، مؤسّسات و مراکز تحقیقاتی، سازمانها همچون سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و مرکز آمار ایران می‌باشد.

مفهوم توسعه‌ی انسانی

سازمان ملل متحد به عنوان معتبرترین مرجع،هدف از توسعه یافتگی با شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را انسان می‌داند. توسعه برای انسان است، بنابراین اگر اقتصادی رشد داشته باشد اما مردمان

1. Amartiasen

آن اقتصاد از این توسعه یافتگی بهره نبرده باشند، بی تردید این توسعه یافتگی ارزشی نخواهد داشت(Hijab,2003:43-45).

مفهوم توسعهی انسانی به مراتب گسترده تر از مفاهیم قراردادی توسعهی اقتصادی است، زیرا الگوهای رشد اقتصادی عموماً با گسترش تولید ناخالص ملّی[1] اندازه گیری میشوند، تا بهبود کیفیّت و سطح زندگی انسان (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸؛ ملکی،۱۳۸۲: ۴۰) اما در الگوی توسعهی انسانی، چهار عنصر اساسی به چشم میخورد، که عبارتاند از: بهره وری[2]، برابری[3]، پایداری[4] و توانمندسازی[5] (بشیرزادگان، ۱۳۸۰ :۶؛ احمدیان، ۱۳۸۰ :۴۱). بهرهوری، مشارکت فعّال مردم در فرآیند درآمدزایی و اشتغال به شمار میاید.برابری، به امکان مساوی کسب قابلیّتها و فرصت به کارگیری آنها مربوط میشود.پایداری، به مفهوم امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایهی فیزیکی، انسانی و زیست محیطی است و توانمندسازی، نیزبه این معنی است که توسعه توسط مردم صورت گیرد.

بر اساس برنامهی سازمان ملل درسالهای اخیر موضوعهای اصلی توسعهی انسانی متفاوت بوده است. تأکید بر تأمین مالی وتوسعهی انسانی،آثار ابعاد جهانی توسعهی انسانی ومشارکت مردم، امنیّت انسانی، جنسیّت و توسعهی انسانی، رشد اقتصادی، مصرف به منظور توسعهی انسانی، ریشهکنی فقر، چهرهی انسانی وجهانی شدن، حقوق انسانی، فناوریهای جدید در خدمت توسعهانسانی و تأمین حقوق انسانی از جمله محورهای کلیدی در ترسیم و دستیابی به توسعهی انسانی بوده است(UN,2003a:12-15) .

در نهایت اینکه، توسعهی انسانی فرآیندی است که دامنهی حق انتخاب از سوی مردم را گسترده تر میسازد. از این رو توسعهی انسانی دارای دو جنبه است: یکی، شکل گیری توانمندیهای انسانی، نظیر: افزایش سلامت، دانش و مهارت و دیگری به کارگیری این توانمندیهای اکتسابی در راه مقاصد سازنده،کسب آسایش و آرامش یا فعالیّت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی.چنانچه معیارهای توسعهی انسانی نتواند تعادل لازم بین این دو جنبه را برقرار سازد، ممکن است انسان سخت دچاراحساس ناکامی شود.

1. Gross National Product (GNP)
2. Productivity
3. Equality
4. Sustainability
5. Empowerment

تبیین توسعه‌ی انسانی پایدار

توسعه‌ی انسانی پایدار به این معناست که ما را از لحاظ اخلاقی موظف می‌کند در حق نسل بعدی دست کم به همان خوبی عمل کنم که نسل پیش از ما در حق ما عمل کرده است. (زنگی آبادی و نسترن، ۱۳۸۰ :۲۵).

توسعه‌ی پایدارانسانی دارای ابعاد زیست محیطی، اجتماعی،اقتصادی، قانونی، فرهنگی وسیاسی و روان‌شناسی است. اشکالی از توسعه‌ی پایدار پذیرفته شده که برای انسان‌ها بیشتر قابل پذیرش باشد (دارابی،۱۳۷۹ :۴۷).

از نظر تیلر[1] توسعه‌ی انسانی پایدار دارای سه اصل مهم زیر است (تیلر، ۱۳۷۸ :۱۷-۱۴):

اول: توسعه‌ی انسانی پایدار حاصل درک مستقل نیازها و منابع محلی است. هر جامعه باید داده‌های مربوط به مسائل و مشکلات محلّی خود را گردآوری کند تا بتواند اولویّت‌های خود را تعیین نماید؛

دوم: عمل باید حاصل ترکیب برنامه ریزی از پایین به بالا[2] و از بالا به پایین[3] باشد.برای تحقّق این موضوع، تصمیم‌گیری باید مبتنی بر یک گفتمان سه جانبه‌ی فراگیر، شامل: مقام‌های دولتی و غیر دولتی، کارشناسان وصاحبان مهارت‌ها ونمایندگان مردم باشد.

سوم:پایداری تنها هنگامی ممکن است که عمل، حاصل اتکای به خود و مشارکت جامعه باشد. مشارکت و توانمند شدن خانواده‌ها، پیش شرط لازم برای یافتن راه حل‌های پایدار و قابل دوام برای توسعه‌ی پایدار انسانی است.

می‌توان گفت که توسعه‌ی انسانی پایدار در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اکولوژیکی به دنبال دست‌یابی انسان به رفاه وسلامتی، کسب دانش و مهارت، توجه به نیازهای نسل حاضر و آینده، عدالت اجتماعی بین نسلی و درون نسلی، فقرزدایی و...درسطح این کره‌ی خاکی است.

1. Tylor
2. Bottom up
3. Top down

مؤلفه‌های شاخص‌های توسعه‌ی انسانی

شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، اصول وضوابطی هستند که دانشمندان ومتخصّصان رشته‌های مختلف علوم ازبین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی برای مقایسه‌ی کشورهاومناطق از نظر سطوح کمّی و کیفی دستاوردهاواستاندارد زندگی مردم در نظر گرفته‌اند(نظری، ۱۳۸۰ :۳).

بر اساس نظر سازمان ملل متحد، این شاخص‌ها رفاه انسانی را در هر یک از کشورها مورد سنجش قرارمی دهد، در حالی که شاخص‌های کلاسیک دیگر بدون توجه به انسان تنها رویکردی مهندس وار به اقتصاد دارند و حجم هر یک از متغیرهای کلان اقتصادی را مورد نظر قرار می‌دهند(UN,2002:25-28).

در زمینه‌ی توسعه‌ی انسانی، چهار شاخص عمده قابل طرح و بررسی است:

۱. شاخص توسعه‌ی انسانی[1]: شاخص توسعه‌ی انسانی یک سنجه‌ی خلاصه برای توسعه‌ی انسانی است (غفرانی وهمکاران، ۱۳۸۲:۹۲)که قابلیّت گسترش و جایگزینی را دارا بوده و در هر کشوری برای بررسی تطبیقی و انتخاب مناطق، شهرها و یا نواحی به منظور بررسی و سنجش درجه‌ی توسعه‌ی آنها کاربرد دارد (زیاری،۱۳۷۸: ۱۳۲).

بر اساس استانداردهای سازمان ملل متحد در تهیه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی از سه شاخص: امید به زندگی در بدو تولد، سطح آموزش و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود.

شاخص توسعه‌ی انسانی، شاخص ترکیبی و مرکّب از سه نماگر به شرح زیر است:

۱. طول عمر، که با امید به زندگی در بدو تولد، اندازه گیری می‌شود؛

۲. دسترسی به آموزش، که مشتمل بر میزان باسوادی بزرگسالان باضریب۲/۳ و نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص درکلیه‌ی مقاطع تحصیلی باضریب ۱/۳ است؛

۳. سطح زندگی قابل قبول و استاندارد که با محصول ناخالص داخلی سرانه‌ی واقعی برحسب برابری قدرت خرید اندازه گیری می‌شود. برای تعیین این شاخص، اندازه کمینه و بیشینه برای هر یک از این نماگرها تعیین شده است که عبارت‌اند از:

– امید به زندگی در بدو تولّد: کمینه:۲۵ سال و بیشینه: ۸۵سال.

– میزان باسوادی بزرگسالان: کمینه: ۰ و بیشینه: ۱۰۰ درصد.

---

1. Human Development Index (HDI)

– نرخ ثبت نام ناخالص در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی: کمینه ۰ و بیشینه ۱۰۰درصد.اندازه شاخص هر یک از نماگرهای بالا بر اساس رابطه‌ی زیر به‌دست می‌آید:

فرمول شماره (۱)

$$Xi\ (Index) = \frac{xi\ (Real) - xi\ (Min)}{Xi\ (Max) - xi\ (Min)}$$

۲. شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس[1]: شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس، به بررسی دستاوردهای حاصل‌شده در همان ابعاد مورد نظر در شاخص توسعه‌ی‌انسانی می‌پردازد و از همان معیارها نیز استفاده می‌کند (غفرانی وهمکاران، ۱۳۸۲: ۹۴) با این تفاوت که شاخص توسعه‌ی انسانی بر جنسیّت، میزان موفقیّت منطقه‌ی مورد نظر در زمینه‌ی ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و کسب درآمد بیشتر برای افراد جامعه را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها نشان می‌دهد(صفوی، ۱۳۸۳ :۲۶۲).

در حقیقت این شاخص، تعدیل شده شاخص توسعه‌ی انسانی با توجه به نابرابری جنسیّتی است .هر چه تفاوتهای جنسی در توسعه‌ی پایه‌ی انسانی بیشتر باشد، شاخص توسعه وابسته به جنس نسبت به شاخص توسعه‌انسانی پایین‌تر خواهد بود. همچنین این شاخص مقادیر بیشینه و کمینه‌ی امید به زندگی را بر پایه‌ی این واقعیّت که زنان نسبت به مردان عمر طولانی تری دارند، تعدیل می‌نماید.از این رو بیشینه و کمینه‌ی اندازه‌ی امید به زندگی برای مردان را به ترتیب ۸۲/۵ سال و ۲۲/۵سال و اندازه‌های متناظر آنها برای زنان را ۸۷/۵و ۲۷/۵سال در نظر می‌گیرد.

۳. شاخص توانمندسازی جنسیّتی[2]: سنجه‌ی توانمندسازی جنسیّتی نشان می‌دهد که آیا زنان در زندگی اقتصادی و سیاسی نقش دارند یا نه؟ این شاخص بر مشارکت تأکید می‌ورزد و نابرابری جنسیّتی را در زمینه‌های کلیدی مشارکت سیاسی و اقتصادی و تصمیم‌گیری‌ها اندازه گیری می‌کند.در این شاخص، تعداد کرسی‌های زنان در مجلس، تعداد زنان قانون‌گذار، صاحب منصبان و مدیران ارشد و کارگران متخصص و فنی زن در نظر گرفته می‌شود. همچنین، به نابرابری جنسیّتی درآمد کسب شده، که نشان دهنده‌ی استقلال اقتصادی است، توجّه دارد.در این شاخص برخلاف شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس، نابرابری در حیطه‌های خاصّی از

1. Gender-Related Development Index(GDI)
2. Gender Empowerment Measure(GEM)

فرصت‌ها مورد توجه قرار می گیرد (غفرانی وهمکاران، ۱۳۸۲: ۹۴).برای برآورد اندازه‌ی شاخص توانمندی‌های جنسیّتی، شاخص‌های سرانه‌ی بالا یعنی شاخص‌های میزان مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توان تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ـ اجتماعی و میزان مشارکت و توان تصمیم‌گیری سیاسی و توانمندی برخورداری از امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر جمع شده و متوسط آنها به‌دست می‌آید (صفوی، ۱۳۸۳ :۲۶۴).

۴. شاخص فقر انسانی[1]: شاخص توسعه‌ی انسانی، پیشرفت کلی یک منطقه(استان) را در دست‌یابی به توسعه‌ی انسانی می‌سنجد، ولی شاخص فقر انسانی نشان دهنده‌ی توزیع پیشرفت است و بقایای محرومیّتی را، که همچنان باقی مانده است، اندازه می گیرد. معیارهای شاخص فقر انسانی در سنجش محرومیت، همان ابعاد به کاررفته در شاخص توسعه‌ی انسانی هستند (غفرانی و همکارن، ۱۳۸۲: ۹۳).

این شاخص بر سه بعد از محرومیّت تأکید می‌ورزد: طول عمر(بر مبنای احتمال عدم دست‌یابی به سن ۴۰ سالگی در بدو تولد)، دانش و آگاهی (بر مبنای نرخ بی‌سوادی بالغین) و ارائه‌ی خدمات اقتصادی، چه به صورت خصوصی و چه دولتی(نداشتن یک سطح زندگی قابل قبول از نظر امکانات و توانمندیهای اقتصادی). به منظور برآورد شاخص فقر انسانی، ابتدا هر کدام از شاخص‌های بالا در نظر گرفته می‌شود، سپس در چند مرحله یک شاخص وزنی برای شاخص توسعه‌ی انسانی محاسبه می‌شود که فرم نهایی آن بدین صورت است:

فرمول شماره (۲) $HPI= [1/3 (P^3_1+P^3_2+P^3_3)]^{1/3}-1$

P1= درصدی از جمعیّت استان، که انتظار رسیدن به سن ۴۰ سالگی را ندارند.

P2= محرومیّت از دانش و آگاهی (درصد بی‌سوادی بالغین).

P3= محرومیّت از داشتن یک سطح زندگی قابل قبول از نظر امکانات و توانمندیهای اقتصادی.

بررسی وضعیّت و روند تحوّلات شاخص‌های توسعه‌ی انسانی ایران طیّ دوره‌ی(۱۳۸٤-۱۳۸۱)

• سال ۱۳۸۱: بر اساس معیارهای توسعه‌ی انسانی هر گونه بهبود در پارامترهای اقتصادی، وضعیّت آموزشی و امید به زندگی، سطح توسعه‌ی انسانی را ارتقاء می‌دهد. شاخص آموزشی درسال ۱۳۸۱در کل کشور

1. Human Poverty Index(HPI)

معادل۸۲٪ بوده و بیشترین سهم را در شاخص توسعه‌ی انسانی داشته است. همچنین شاخص امیدبه زندگی درایران درسال ۱۳۸۱،۰/۷۴۱ بوده است.

بالاترین میزان امید به زندگی در کشورهای جهان ۸۵ سال است. بنابراین، مفهوم ۰/۷۴۱، نمایانگر آن است که امید به زندگی ایران ۷۴۱٪ امید به زندگی بالاترین کشور دنیاست (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور،۱۳۸۲ :۲۴۱).

شاخص تولید ناخالص داخلی درسال ۱۳۸۱ معادل۰/۶۹۷ بوده است.میزان رشد شاخص توسعه‌ی انسانی در اقتصاد ایران در سال۱۳۸۱ ،۱/۰۱٪بوده، به گونه‌ای که از ۰/۷۲۹ در سال ۱۳۸۰، به ۰/۷۴۱ در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. می‌توان گفت این رشد در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری دولت در بخش آموزش، بهداشت و افزایش تولید و در نتیجه درآمد افراد در سال‌های اخیر می‌باشد. ترتیب تأثیر گذاری با آموزش، امید به زندگی وسپس شاخص درآمدی می‌باشد(جدول شماره۱).

بنابراین، ایران در زمره‌ی کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط قرار دارد. ضریب توسعه‌ی انسانی کشورهای با توسعه‌ی انسانی بالا بزرگتر از ۸۰٪ می‌باشد. ظرفیّت سازی‌های اجتماعی در کنار سیاست‌های اقتصادی و اصلاح آنها و تدبیر درست سرمایه گذاری، از جمله مقوله‌های مهمّی است که روند توسعه‌ی انسانی را دگرگون می‌سازد.

جدول شماره ۱. روند شاخص توسعه‌ی انسانی در ایران طی دوره‌ی (۸۴–۱۳۸۰)

سال	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزش	شاخص تولید ناخالص داخلی	شاخص توسعه انسانی
۱۳۸۰	۰/۷۳۰	۰/۷۷	۰/۶۸۷	۰/۷۲۹
۱۳۸۱	۰/۷۴۱	۰/۸۲	۰/۶۹۷	۰/۷۴۱
۱۳۸۲	۰/۷۴۹	۰/۷۳	۰/۶۸	۰/۷۱۹
۱۳۸۳	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۷۰	۰/۷۳۲
۱۳۸۴	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۷۳۶

مأخذ: اقتباس و تلخیص از گزارش‌های برنامه سازمان ملل از سال۲۰۰۳الی ۲۰۰۵ و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ،۱۳۸۲، ص۲۴۲.

• سال ۱۳۸۲: گزارش توسعه‌ی انسانی از معتبرترین گزارش‌های سالانه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت اقتصادی واجتماعی کشورهاست. ازاین رو براساس گزارش(برنامه توسعه‌ی سازمان ملل)[1] ۲۰۰۳، ایران از نظرشاخص توسعه‌ی انسانی در بین ۱۷۷ کشور با شاخص ۰/۷۱۹ در رتبه‌ی ۱۰۶ قرار گرفته است (UNDP, 2003:123-125). براساس این گزارش، ایران با نرخ امید به زندگی ۶۹/۸ سال شاخص۷۴۹/.را به خود اختصاص داده است. نرخ باسوادی بزرگسالان (۱۵سال به بالا) ۷۷/۱٪ است، که به این ترتیب شاخص آموزش در ایران، ۷۳/.است. همچنین سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی بر حسب قدرت خرید شش هزار دلار است که دارای شاخص ۰/۶۸ می‌باشد.

شاخص فقر انسانی کشورهای درحال توسعه، از جمله موارد مهمی است که درگزارش توسعه‌ی انسانی از اهمیّت زیادی برخوردار است. به عبارت دیگر، این شاخص نشانگر فقدان سه بعد اساسی توسعه‌ی انسانی است(UN,2003b:127).

از نظر شاخص فقرانسانی، ایران در بین۹۴کشور در حال توسعه در رتبه‌ی۳۱قرارگرفته است.این شاخص در ایران، احتمال زنده نماندن تا ۴۰سالگی در بدو تولد ۷٪ است. همچنین، نرخ بی‌سوادی بزرگسالان ۲۲/۹٪ وجمعیّت بدون دسترسی دائمی و پایدار به منابع آب آشامیدنی ۸٪می‌باشد(Ibid: 127).

•سال ۱۳۸۳: بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی۲۰۰۴ سازمان ملل، ایران از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی در بین۱۷۷ کشور دنیا از رتبه ۱۰۶ در سال ۲۰۰۳ به رتبه‌ی ۱۰۱ در سال ۲۰۰۴ ارتقاء یافته است، همچنین ارزش این شاخص با ۱۰٪ افزایش در مقایسه با سال گذشته به ۷۳۲/.رسیده است(UNDP,2004:HDR).

بر اساس این گزارش، شاخص امید به زندگی به ۷۵/. افزایش یافت، که متوسط امید به زندگی در ایران ۷۰/۱ سال بوده است. همچنین، شاخص تولید ناخالص داخلی در این سال ۷۰/. بوده به گونه‌ای که سرانه‌ی ناخالص داخلی نیز بدون احتساب تورم ۱۶۵۲دلار و با احتساب تورم ۶۶۹۰ دلار اعلام شده، که از این نظر در بین ۱۷۷کشور و خاورمیانه به ترتیب رتبه‌های ۷۰ و۹ را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر بدهی خارجی به میزان ۱۰میلیارد دلار، ۹ کشور بدهکار در خاورمیانه می‌باشد.

1. United Nations Development Programme (UNDP)

براساس گزارش سازمان ملل ضریب جینی[1] در ایران ۴۳ است، بنابراین،۲٪ جمعیت این کشور در پایین ترین دهک درآمدی و ۵/۱٪جمعیّت کشور در دو دهک پایین درآمدی قرار داشته است، همچنین ۳۳/۷٪ مردم در بالاترین دهک درآمدی و ۴۹/۹٪ در دو دهک بالای درآمدی قرار دارند(Ibid).

از نظر شاخص فقر انسانی، ایران از بین ۹۵کشور در حال توسعه در رتبه‌ی ۳۱ قرار گرفته، که ارزش این شاخص ۱۶/۴٪ بوده است. به گونه‌ای که در این سال، یک سوم جمعیّت ایران زیر خط فقر قرار گرفته‌اند.

•سال ۱۳۸۴: بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۵ سازمان ملل، در بین ۱۷۷ کشور، ایران از رتبه‌ی ۱۰۱ در سال۲۰۰۴ به رتبه‌ی ۹۹ در سال ۲۰۰۵ ارتقاء یافته است. وارزش شاخص توسعه‌ی انسانی که درسال۲۰۰۴، ۷۳۲/. بود، در سال۲۰۰۵ با ۰۰۴/. افزایش به۷۳۶/. رسیده است(شاخص توسعه‌ی انسانی ایران در سال ۲۰۰۵،۱۳۸۴).

همچنین، براساس این گزارش، شاخص امید به زندگی در این کشور از ۷۵/. در سال۲۰۰۴، به ۰/۷۶ در سال۲۰۰۵ افزایش داشته و امید به زندگی در مردان از ۶۸/۸ سال در ۲۰۰۴به ۶۹ سال در ۲۰۰۵ و در زنان نیز از ۷۱/۷سال در سال۲۰۰۴ به ۷۱/۹سال در ۲۰۰۵ رسیده است. همچنین، سازمان ملل متحد با اعلام این که متوسط امید به زندگی در ایران در ۲۰۰۴، ۷۰/۱سال بوده است، این رقم را در سال ۲۰۰۵، ۷۰/۴ سال اعلام کرده است(همان).

ارزش اسمی تولید ناخالص داخلی ایران۱۳۷/۱میلیارد دلار و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی نیز ۲۰۶۶دلار بوده، که از نظر سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی ایران رتبه‌ی ۷۰را کسب کرده است. براساس این گزارش، شاخص تولید ناخالص داخلی کشور در سال۲۰۰۴، ۰/۷۰ بوده، که در سال ۲۰۰۵ به ۰/۷۱ رسیده است.

بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۵سازمان ملل، شاخص توسعه‌ی جنسیّتی در ایران ۰/۷۱۹ و در میان ۱۴۰کشور رتبه ۷۸ را به خود اختصاص داده است (موقعیت ایران از نظر توسعه انسانی، ۱۳۸۴). در این گزارش، امید به زندگی برای زنان ایرانی۷۱/۹ سال و برای مردان ۶۹ سال، نرخ باسوادی زنان ۷۰/۴٪ و نرخ باسوادی مردان۸۳/۵٪، نرخ ثبت نام زنان در مقاطع قبل از دانشگاه ۶۵٪ و مردان ۷۲٪ و همچنین، متوسط درآمد زنان و مردان بر اساس جمعیت آنها و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۳۰۹۵ و ۱۰۸۵۶دلار اعلام شده است.

از نظر شاخص توانمندسازی جنسیّتی، تنها ۳۰٪ از زنان ایرانی در فعالیّت‌های اقتصادی مشارکت دارند، که بدین ترتیب در میان ۱۶۵ کشور در رتبه‌ی ۱۵۵ و با شاخص ۰/۱۴۱ قرار گرفته است(همان).

---

1. Gini Index.

براساس گزارش توسعهی انسانی سال۲۰۰۵، ۳۰٪ زنان در بخشهای مختلف اقتصادی اعمّ از کشاورزی، صنعت و خدمات شاغل بوده و این درحالی است که بیش از نیمی از جمعیّت کشور را زنان تشکیل میدهند.

ایران از نظر شاخص فقر انسانی، در میان ۱۰۳ کشور در حال توسعه، با شاخص ۱۶/۴٪ در رتبهی ۳۶ قرار گرفته است، به گونهای که، بیش از ۲٪ ایرانیها درآمدی کمتر از یک دلار در روز و ۷/۲٪ درآمدی کمتر از ۲ دلار دارند و ۲۳٪ از افراد بالای ۱۵سال بیسواد بوده و ۱۱٪ از کودکان زیر ۵ سال وزنی کمتر از حدّ طبیعی دارند و همچنین، ۷٪ از جمعیت ایران به منابع آبی سالم و بهداشتی دسترسی دائمی ندارند (همان).

بررسی تطبیقی و تحلیل شاخصهای توسعه انسانی استانهای کشور

تحوّلات سالهای اخیر در فضای اقتصادی و اجتماعی کشور پس از جنگ تحمیلی، بر اساس برنامههای توسعهی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث تغییرات مثبت شاخص توسعهی انسانی در مناطق مختلف کشور شده است. اگرچه این تغییرات در تمام استانهای کشور به صورت یکسان نبوده، ولی وجه مشترک بیشتر استانها، روند صعودی این شاخص و ارتقاء کیفیّت زندگی در آنهاست (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۳: ۴۴).

شاخص آموزشی و شاخص امید به زندگی، دو جزء مهم توسعهی انسانی به شمار میروند. جزء سوم، شاخص درآمدی است که به علّت اینکه این جزء در استانها به شکل ناهمگون است لذا، از اطّلاعات درآمد- هزینهی خانوار بانک مرکزی در سال ۱۳۸۱ به قیمت جاری استفاده شده است. با تقسیم درآمد خانوار در هر استان بر بعد خانوار، متوسط درآمد سرانهی هر فرد محاسبه شده است.

براساس جدول شماره۲، شاخص توسعهی انسانی در استانهای تهران، اصفهان، قزوین، گیلان، فارس و مازندران از سایر استانها بالاتر بوده، که علّت آن بالا بودن شاخصهای درآمدی، سطح آموزش و وضعیّت بهتر امید به زندگی در این استانهاست. بالاترین شاخص متعلق به استان تهران با شاخص معادل ۰/۷۸۵و پایینترین مربوط به سیستان و بلوچستان معادل ۰/۵۷۷میباشد.

با اینکه شاخص توسعهی انسانی بین ۰ و ۱ در نوسان است، لیکن تفاوتهای آشکاری در شاخص توسعهی انسانی مشاهده نمیشود. بر حسب ارقام شاخص توسعهی انسانی، تفاوت بالاترین و پایین ترین آن ۰/۳ میباشد(استان تهران و سیستان و بلوچستان). امّا باید توجه داشت که ضریب توسعهی انسانی دارای تحوّلات بطئی

و کندی است، تغییر در اجزای آن به سادگی صورت نمی‌گیرد و مستلزم تلاش مستمری است تا کیفیّت زندگی افراد و گروههای مختلف تغییر نماید.

شاخص توسعه‌ی انسانی استان‌های فقیر در مقایسه با استان‌های دارای شاخص توسعه‌ی انسانی بالاتر در یک دهه‌ی اخیر دارای روندی روبه رشد بوده است، همچنین استان‌هایی که به دلایل گوناگون به قطب رشد[1] تبدیل شده‌اند دارای قابلیّت‌های درون زایی برای تحوّلات اقتصادی و اجتماعی هستند. افزایش استان‌های فقیر از سرمایه گذاری‌ها، برخورداری از آزادی عمل در تصمیم سازی و تمرکززدایی در حیطه‌ی تصمیم گیری‌ها از جمله عوامل مؤثّری هستند که می‌تواند توسعه‌ی هموارتر و منسجم‌تر را به دنبال داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۴).

بالاترین میزان امید به زندگی استان‌های تهران، گیلان، اصفهان، یزد، قزوین و سمنان، به ترتیب رتبه‌های ۱تا۵ را به خود اختصاص داده‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خراسان به ترتیب پایین ترین شاخص امید به زندگی را درکشور داشته‌اند.

استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان، بالاترین و پایین ترین شاخص امید به زندگی(معادل۰/۷۵ و ۰/۶۳) در میان استان‌های کشور بوده اند.همچنین، استان تهران با (۷۰سال) و سیستان و بلوچستان با(۶۳سال) بیشترین وکمترین میزان امید به زندگی در بین استان‌های کشور بوده، در حالی که متوسط این شاخص در کشور ۶۹ سال است.

از نظر شاخص آموزشی نیز استان تهران با شاخص معادل ۰/۹۰ رتبه‌ی اوّل را به خود اختصاص داده و استان‌های اصفهان، سمنان، فارس و یزد به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. همچنین سیستان و بلوچستان با شاخص معادل ۰/۵۷ و با رتبه ۲۷ پایین ترین شاخص آموزشی در بین استان‌های کشور قرار گرفته است.

بر اساس اطّلاعات درآمد- هزینه‌ی خانوار بانک مرکزی به جای شاخص درآمدی می‌توان گفت که مجدّداً استان تهران با شاخص معادل ۰/۷۰۵ بالاترین و سیستان و بلوچستان با شاخص ۰/۵۱ در پایین‌ترین شاخص درآمدی در بین ۲۸ استان کشور قرار گرفته است و استان‌های قزوین، اصفهان، گیلان و بوشهر به ترتیب رتبه‌های دوم تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند و نیز استان‌های محروم کشور یعنی کردستان، اردبیل، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد پایین ترین رتبه‌های شاخص درآمدی- هزینه را دارند.

---

1. Growth Pole

به طور کلی، آنچه که از بررسی شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان‌های کشور دریافت می‌شود، عدم توجّه به استان‌های محروم کشور با وجود اثبات محرومیّت در آنها در طول سالیان گذشته است، به گونه‌ای که استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد در پایین‌ترین سطح توسعه‌ی انسانی نسبت به سایر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند؛ که پایین بودن سطح درآمدها، سطح پایین سرمایه‌گذاری زیربنایی و کیفیّت پایین زندگی از جمله دلایل مهم در این خصوص است. عامل مشترکی که در روند توسعه‌ی انسانی اکثر استان‌ها به چشم می‌خورد، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آنها در مقایسه با شاخص درآمدی در وضعیّت بهتری قرار دارند. همین‌طور در سال ۱۳۸۰ نیز این تفاوت در سطح کشور و در استان‌ها وجود داشته است.

جدول شماره ۲. شاخص توسعه‌ی انسانی در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱

ردیف	نام استان	شاخص امید به زندگی	رتبه	شاخص آموزشی	رتبه	شاخص درآمدی	رتبه	شاخص توسعه‌ی انسانی	رتبه
۱	آذربایجان شرقی	۰/۷۱	۱۱	۰/۷۶۴۵	۱۹	۰/۵۹۱۱	۱۷	۰/۶۸۸۵	۱۷
۲	آذربایجان غربی	۰/۶۹	۱۸	۰/۷۱۵	۲۵	۰/۵۸۰۶	۲۱	۰/۶۶۱۹	۲۵
۳	اردبیل	۰/۷۰۱۷	۱۴	۰/۷۲۲	۲۴	۰/۵۵۴۸	۲۶	۰/۶۵۹۵	۲۶
۴	اصفهان	۰/۷۴۶۷	۲	۰/۸۵۴۵	۲	۰/۶۴۶۲	۳	۰/۷۴۹۱	۲
۵	ایلام	۰/۶۷۶۷	۲۱	۰/۷۷۷۵	۱۷	۰/۶۱۶۶	۹	۰/۶۹۰۲	۱۶
۶	بوشهر	۰/۷۰۸۳	۱۲	۰/۸۲۴۵	۶	۰/۶۳۵۶	۵	۰/۷۲۲۸	۹
۷	تهران	۰/۷۵	۱	۰/۸۹۹	۱	۰/۷۰۵۵	۱	۰/۷۸۴۸	۱
۸	چهارمحال و بختیاری	۰/۷۰۵	۱۳	۰/۷۵۸۵	۲۲	۰/۵۹۹۰	۱۴	۰/۶۸۷۵	۱۸
۹	خراسان	۰/۶۸۱۶	۲۰	۰/۸۰۶۵	۱۰	۰/۶۰۴۴	۱۲	۰/۶۹۷۵	۱۳
۱۰	خوزستان	۰/۷۱۶۷	۸	۰/۸۰۷۵	۹	۰/۶۱۷۲	۸	۰/۷۱۳۸	۱۰
۱۱	زنجان	۰/۶۹۵	۱۷	۰/۷۴۷۵	۲۳	۰/۵۸۸۹	۱۹	۰/۶۷۷۱	۲۲
۱۲	سمنان	۰/۷۲۸	۵	۰/۸۴۳۵	۳	۰/۵۹۸۲	۱۵	۰/۷۲۳۳	۸
۱۳	سیستان و بلوچستان	۰/۶۳۸۳	۲۴	۰/۵۷۸۵	۲۷	۰/۵۱۳۸	۲۸	۰/۵۷۶۹	۲۸
۱۴	فارس	۰/۷۲۵	۷	۰/۸۳۴	۴	۰/۶۲۸۴	۶	۰/۷۲۹۱	۵

ردیف	نام استان	شاخص امید به زندگی	رتبه	شاخص آموزشی	رتبه	شاخص درآمدی	رتبه	شاخص توسعه‌ی انسانی	رتبه
۱۵	قزوین	۰/۷۳۱۷	۴	۰/۸۱۲	۸	۰/۶۶۰۷	۲	۰/۷۳۴۸	۳
۱۶	قم	۰/۷۲۶۷	۶	۰/۸۱۶	۷	۰/۵۸۲۷	۲۰	۰/۷۰۸۴	۱۱
۱۷	کردستان	۰/۶۴۶۷	۲۳	۰/۶۷۸۵	۲۶	۰/۵۵۰۶	۲۷	۰/۶۲۵۳	۲۷
۱۸	کرمان	۰/۶۹۶۷	۱۶	۰/۷۹۶۵	۱۴	۰/۵۹۰۳	۱۸	۰/۶۹۴۵	۱۵
۱۹	کرمانشاه	۰/۶۹	۱۸	۰/۷۸۳۵	۱۵	۰/۵۶۳۲	۲۵	۰/۶۷۸۹	۲۱
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۶۸۳	۲۲	۰/۷۶۵	۱۸	۰/۵۶۳۶	۲۴	۰/۶۶۵۷	۲۴
۲۱	گلستان	۰/۶۹۸۳	۱۵	۰/۷۷۹	۱۶	۰/۶۱۴۴	۱۰	۰/۶۹۷۳	۱۴
۲۲	گیلان	۰/۷۵	۱	۰/۸۰۲۵	۱۲	۰/۶۴۲۶	۴	۰/۷۳۱۷	۴
۲۳	لرستان	۰/۶۸۶۷	۱۹	۰/۷۶۲۵	۲۰	۰/۵۶۷۵	۲۳	۰/۶۷۲۲	۲۳
۲۴	مازندران	۰/۷۱۵	۹	۰/۸۰۴	۱۱	۰/۶۲۶۵	۷	۰/۷۲۵۲	۶
۲۵	مرکزی	۰/۷۱۳۳	۱۰	۰/۷۹۷۵	۱۳	۰/۶۱۳۰	۱۱	۰/۷۰۷۹	۱۲
۲۶	هرمزگان	۰/۷۰۵	۱۳	۰/۷۶	۲۱	۰/۵۹۳۱	۱۶	۰/۶۸۶۰	۱۹
۲۷	همدان	۰/۶۹۸۳	۱۵	۰/۷۷۵۵	۱۷	۰/۵۶۹۶	۲۲	۰/۶۸۱۱	۲۰
۲۸	یزد	۰/۷۴	۳	۰/۸۳۲	۵	۰/۶۰۰۲	۱۳	۰/۷۲۴۱	۷

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲: ۲۴۸.

شاخص توسعه وابسته به جنس: تحلیل این شاخص دراستان‌های کشور درسال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد که متوسط امید به زندگی زنان در کشور ۷۰/۴ سال بوده، درحالی که متوسط امید به زندگی مردان برابر ۶۷/۶ سال بوده است. به گونه‌ای که در کل استان‌ها بدون استثناء میزان امید به زندگی زنان بیشتر از مردان بوده است. بیشترین فاصله‌ی امید به زندگی مردان وزنان مربوط به استان‌های فارس ۲/۳سال،آذربایجان شرقی ۲/۲سال، مازندران ۲/۱سال و بوشهر ۲سال بوده و کمترین اختلاف فاصله در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۰/۳سال، لرستان با ۰/۸ سال، سیستان و بلوچستان با ۰/۸سال و خراسان با ۰/۹سال بوده است. درحالی که متوسط اختلاف امید به زندگی در مردان و زنان کشور ۲/۸سال بوده است(ملکی، ۱۳۸۴).

از جمله عواملی که در افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان در استان‌های کشور تأثیر فراوانی داشته‌اند، می‌توان به افزایش و توسعه‌ی خدمات بهداشتی در روستاها، کاهش باروری زنان، کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵سال، کاهش ازدواج دختران در سنین پایین اشاره کرد.

از نظر نرخ باسوادی زنان و مردان نیز، اختلافات شدید است و از ۱۶/۷٪ در استان آذربایجان غربی تا ۴/۸٪ در استان تهران متفاوت است.به عبارت دیگر، نرخ باسوادی زنان درآذربایجان غربی۱۶/۷٪، سیستان و بلوچستان۱۵/۱٪، اردبیل۱۴/۱٪، زنجان۱۲٪ و آذربایجان شرقی۱۱/۸٪ پایین تر از نرخ باسوادی مردان است، درحالی که، این رقم در تهران۴/۸٪، سمنان۵/۳٪، یزد۵/۷٪، کرمان۵/۹٪، اصفهان ۶/۸٪ و فارس ۷/۲٪ است. به طوری که در هیچ کدام از استان‌های کشور نرخ با سوادی زنان بیشتر از مردان نیست(همان).

شاخص فقر انسانی از طریق حداقل سطح زندگی متعارف و محرومیّت‌های اجتماعی در بلند مدت سنجش می‌شود(سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور،۱۳۸۲: ۲۴۹).

یکی از شاخص‌هایی که در این خصوص مورد استفاده قرار می‌گیرد، محرومیّت از سطح زندگی استاندارد است.این شاخص از میانگین غیروزنی دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی و تعداد کودکان کم وزن تا قبل از سنین ۵سالگی و تعداد جمعیتی که قبل از سن ۴۰ سالگی می‌میرند، محاسبه می‌شود. درسال ۱۳۸۱ دسترسی به آب بهداشتی در مناطق شهری و روستایی به ترتیب معادل ۹۸/۸ و۸۷/۴ ٪ و میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در کل کشور۲۸/۶ در هزار بوده و این شاخص در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۷/۷ و۳۰/۲ در هزار می‌باشد. با توجه به ترکیب جمعیت شهری و روستایی، درصد افراد فاقد دسترسی به آب آشامیدنی در کل کشور، معادل ۵/۴ ٪کل جمعیت بالغ است. با منظور نمودن ضرایب بالا و در نظر گرفتن میانگین ساده‌ی میزان محرومیّت از استانداردهای زندگی در کل کشور در ۱۳۸۱، معادل۴/۱۳ برآورد می‌شود. با توجه به آمارهای استانی، شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای در میان استان‌های کشور وجود دارد. به عنوان مثال، در سیستان و بلوچستان میزان دسترسی به آب آشامیدنی در مناطق روستایی معادل۴۶٪ است که بهبود آن سرمایه هنگفتی را می‌طلبد تا نوعی تعادل منطقه‌ای در دسترسی به حدّاقل‌های زندگی وضعیّت شاخص توسعه‌ی انسانی به دست آید(جدول شماره۳).

جدول شماره ۳. میزان دسترسی به آب آشامیدنی در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱

ردیف	نام استان	دسترسی به آب بهداشتی		ردیف	نام استان	دسترسی به آب بهداشتی	
		روستایی	شهری			روستایی	شهری
	کل کشور	۸۷/۴	۹۸/۸	۱۴	فارس	۹۴/۷	۱۰۰
۱	آذربایجان شرقی	۸۲/۵	۹۸/۱	۱۵	قزوین	۹۲/۳	۹۹/۷
۲	آذربایجان غربی	۷۹/۴	۹۹/۲	۱۶	قم	۹۶/۱	۹۹/۷
۳	اردبیل	۷۶/۹	۹۸/۸	۱۷	کردستان	۹۰/۴	۹۸/۸
۴	اصفهان	۹۷/۸	۹۹/۴	۱۸	کرمان	۸۴/۴	۹۹/۸
۵	ایلام	۹۷/۱	۱۰۰	۱۹	کرمانشاه	۷۲/۴	۹۸/۸
۶	بوشهر	۹۴/۳	۹۸/۸	۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۶۹/۲	۹۹/۸
۷	تهران	۹۹/۹	۹۹/۸	۲۱	گلستان	۹۲/۶	۹۹/۹
۸	چهارمحال وبختیاری	۹۵/۲	۱۰۰	۲۲	گیلان	۸۲/۸	۹۸/۴
۹	خراسان	۸۵/۱	۱۰۰	۲۳	لرستان	۸۰/۸	۹۹/۷
۱۰	خوزستان	۸۷/۴	۹۹/۷	۲۴	مازندران	۹۵/۳	۱۰۰
۱۱	زنجان	۸۰/۶	۹۹/۸	۲۵	مرکزی	۹۵/۳	۹۹/۷
۱۲	سمنان	۹۹	۱۰۰	۲۶	هرمزگان	۷۹/۸	۹۷/۷
۱۳	سیستان و بلوچستان	۴۹/۴	۸۷/۸	۲۷	همدان	۸۶/۳	۹۳/۲
				۲۸	یزد	۹۵/۶	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال ۱۳۸۲.

بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان ایلام

بررسی تطبیقی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در سطح استان‌های کشور، بیانگر بالا بودن پراکندگی شاخص توسعه‌ی انسانی در این سطح است. به طوری که مقدار این شاخص در استان تهران ۰/۸۴۲ و برای سیستان و بلوچستان ۰/۵۴۵بوده و مقدار آن برای استان ایلام ۰/۶۷۵ می‌باشد. درجدول زیر وضعیّت توسعه‌ی انسانی استان ایلام با توجه به چهار شاخص عمده در ساختار فضایی توسعه‌ی انسانی محاسبه گردیده

است و به مقایسه‌ی آن با استان تهران(به عنوان توسعه یافته ترین استان با رتبه ۱ در سطح ملی) و متوسط کشور پرداخته شده است.

جدول شماره ۴. وضعیّت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

ردیف	شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام (جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
۱	شاخص توسعه انسانی	۰/۶۷۵	۸۵/۴	۲۲	۰/۷۹۰	۰/۸۴۲
۲	شاخص توسعه وابسته به جنس	۰/۵۲	۸۸/۱	۱۸	۰/۵۹	۰/۶۱
۳	شاخص توانمندسازی جنسیتی	۰/۲۲۶	۷۵/۳	۲۰	۰/۳۰۰	۰/۴۴۱
۴	شاخص فقر انسانی	۲۳/۷	۱۱۰/۷	۱۵	۲۱/۴	۱۱/۳

مأخذ: محاسبات نویسندگان بر اساس اطلاعات مأخوذه از گزارش‌های مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان ملل متحد.

تحلیل شاخص توسعه‌ی انسانی استان ایلام نشان می‌دهد این استان در بین۲۸ استان کشور رتبه۲۲را به خود اختصاص داده که به لحاظ توسعه‌ی انسانی درسطح کشور در جایگاه نامناسبی قرارگرفته است. از مهمترین دلایل آن می‌توان شاخص امید به زندگی(۶۴سال) با رتبه‌ی ۲۵، نرخ سواد بزرگسالان(۶۷٪) با رتبه ۲۲ و هزینه‌ی سرانه ناخالص(۱۴۰۹هزار ریال) رتبه‌ی۲۳ در سطح کشور اشاره کرد.

با توجه به پایین بودن هزینه‌ی سرانه ناخالص در این استان، می توان گفت که با رشد اقتصادی کشور، توزیع درآمدها، تخصیص امکانات و منابع ملی منجر به افزایش امکانات، ثبات سرمایه و رشد هزینه‌ی سرانه ناخالص استان شده و بدین ترتیب توسعه‌ی انسانی در استان بهبود یافته و پراکندگی آن نسبت به متوسط ملی رفته رفته از بین برود. همچنین، نرخ ترکیبی ثبت نام در تمام مقاطع تحصیلی در استان ایلام ۸۳/۲٪ می‌باشد، که این نرخ ضمن این که از متوسط کشور(۷۵/۹٪) بیشتر می‌باشد، استان از نظر شاخص در جایگاه دوم بعد از کهگیلویه و بویراحمد(۸۶/۷٪) بیشترین نرخ در سراسر کشور است (ملکی، ۱۳۸۴).

جدول شماره ۵. وضعیت شاخص توسعه انسانی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام (جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
شاخص توسعه انسانی	۰/۶۷۵	۸۵/۴	۲۲	۰/۷۹۰	۰/۸۴۲
امید به زندگی(از بدو تولد(سال)	۶۴	۹۲/۵	۲۵	۶۹/۲	۷۰/۵
نرخ باسوادی بزرگسالان(٪)	۶۷	۹۱/۹	۲۲	۷۲/۹	۸۴/۷
هزینه سرانه ناخالص(هزار ریال)	۱۴۰۹	۷۴/۲	۲۳	۱۸۹۹	۳۰۵۷

مأخذ: همان

شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس در استان ایلام معادل ۰/۵۲ می‌باشد که در میان ۲۸ استان کشور در رتبه‌ی ۱۸قرار دارد. از مهمترین دلایل پایین بودن این شاخص نسبت به متوسط کشور می‌توان، تفاوت زیاد بین نرخ باسوادی بزرگسالان مرد(۷۴/۴ ٪) و بزرگسالان زن(۵۸/۴ ٪) اشاره کرد که این تفاوت بین نرخ باسوادی مردان و زنان بزرگسال استان معادل(۱۵ ٪)می‌باشد. همچنین، سهم نسبی درآمد زنان استان معادل ۷/۸ ٪ بوده، که نسبت به متوسط کشور حدود ۲ ٪فاصله داشته که ایلام را در رتبه (۱۸) درکشور قرار داده است(جدول شماره۶).

براین اساس زنان استان ایلام هنوز نتوانسته‌اند از نظر شاخص‌های توسعه، مقام و جایگاه مناسبی پیدا کنند. براساس جدول زیر و آمارهای انتشار یافته از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز آمار ایران و یونیسف، زنان ایلامی از نظر امید به زندگی، نرخ باسوادی بزرگسالان، تعداد متخصصان و دستیاران آنها، کارکنان خدماتی، کارکنان امور دفتری، نرخ فعالیّت اقتصادی و سهم نسبی درآمدشان پایین‌تر از حدّ میانگین کشور قرار دارند و در مقابل، میزان محرومیّت زنان، سهم زنان آسیب دیده(از کل کشور)، میزان باروری و نداشتن امید به زنده ماندن تا ۴۰سالگی، نرخ بی سوادی بزرگسالان و... ارقامی بالاتر از حدّ میانگین کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند(پورنجف،۱۳۸۳: ۱۰۰).

جدول شماره ۶. وضعیّت شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس و
شاخص توانمندسازی جنسیتی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام(جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
شاخص توسعه وابسته به جنس	۰/۵۲	۸۸/۱	۱۸	۰/۵۹	۰/۶۱
نرخ باسوادی مردان بزرگسال(٪)	۷۴/۴	۹۳/۳	۱۶	۷۹/۷	۸۸/۷
نرخ باسوادی زنان بزرگسال(٪)	۵۸/۴	۹۰/۱	۱۸	۶۵/۹	۸۰/۴
سهم نسبی درآمد زنان(٪)	۷/۸	۹۳/۶	۱۸	۹/۴	۸/۷
شاخص توانمندسازی جنسیتی	۰/۲۲۶	۷۵/۳	۲۰	۰/۳۰۰	۰/۴۴۱

مأخذ: همان.

شاخص توانمندسازی جنسیّتی در استان ایلام، ۰/۲۲۶ بوده که این شاخص فاصله‌ی زیادی نسبت به متوسط ملی(۰/۳۰۰) داشته و در سطح کشور در رتبه‌ی بیستم قرار گرفته است (جدول شماره۶). با توجه به مقدار این شاخص می‌توان گفت که این شاخص در سطح مطلوبی قرار نگرفته است، به طوری که میزان مشارکت زنان در فعالیّت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استان ناچیز بوده و در فعالیّت‌های اجتماعی جز در حیطه‌ی اشتغال و کار مزدبگیری آن و همچنین در سطوح پست‌های پایین شغلی چندان فعّال نبوده اند. لذا، باید با مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی، تشکّل‌های شورای شهر و روستا، شرکت در فعالیّت‌های انتخاباتی، مشارکت و فعالیّت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...به رشد شاخص توانمندسازی جنسّیتی در سطح استان ایلام توجه داشت.

شاخص فقر انسانی، میزان محرومیت از سطح استاندارد زندگی یا کمینه‌ی امکانات یک منطقه را نشان می‌دهد(سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹ :۱۴۵).این شاخص برای استان ایلام معادل ۲۳/۷ می‌باشد، که از این نظر در میان استان‌های کشور پانزدهمین استان فقیرکشور به شمار می‌رود، یعنی در وضعیّتی تقریباً پایین‌تر از حدود نیمی از مناطق مختلف کشور قرار دارد.استانی که از توسعه‌ی انسانی بالاتری برخوردار باشد، فقر

انسانی در آن نیز کمتر است و برعکس. از این رو استان ایلام که به لحاظ توسعه‌ی انسانی در سطح مطلوبی قرار ندارد، فقر انسانی در آن نیز بالاست(جدول شماره۷).

از مهمترین علل اساسی فقر انسانی این استان می‌توان، بالا بودن نرخ بی سوادی بزرگسالان(۳۳٪) و پایین بودن نسبت هزینه‌ی سرانه ناخالص برای ۲۰ ٪ فقیر ترین افراد(۴۳۵ هزار ریال)در مقایسه با هزینه‌ی سرانه ناخالص برای ۲۰ ٪ غنی ترین افراد(۲۸۶۸ هزار ریال)استان که در حدود(۱۵/۲ ٪)می‌باشد، ذکر کرد.

با توجه به این که هزینه‌ی سرانه‌ی ناخالص مردم استان ایلام بسیار پایین‌تر از رقم متوسط آن در سطح کشور است، ساختار توزیع درآمد استان به گونه‌ای است که شکاف درآمدی(فاصله طبقاتی) نسبتاً عمیقی بین فقیرترین افراد و غنی‌ترین آنها وجود دارد. لذا سیاست‌های توزیع درآمدی باید به گونه‌ای باشد که توزیع ثروت، درآمد و امکانات را در بین افراد استان عادلانه تخصیص نماید، توصیه‌ی سیاسی مهم برای کاهش شکاف طبقاتی، برخورداری نسبی افراد و درنهایت کاهش فقر انسانی است، ضمن این که سرمایه‌گذاری در امر آموزش بزرگسالان، می‌تواند شاخص فقر انسانی را در استان تعدیل نماید.

جدول شماره ۷. وضعیّت شاخص فقر انسانی در استان ایلام در سال۱۳۸۲

شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام(جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
شاخص فقر انسانی	۲۳/۷	۱۱۰/۷	۱۵	۲۱/۴	۱۱/۳
نرخ بی سوادی بزرگسالان(٪)	۳۳	۱۲۱/۸	۱۰	۲۷/۱	۱۵/۳
هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪فقیرترین افراد(هزار ریال)	۴۳۵	۱۰۱/۲	۹	۴۳۰	۸۳۲
هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪غنی ترین افراد(هزار ریال)	۲۸۶۸	۶۳/۲	۲۳	۴۵۳۷	۷۰۱۱
جمعیت زیر خط فقر(٪)	۱۹/۱	۹۶/۹	۴	۱۹/۷	۱۹/۴

مأخذ: همان.

باید به این نکته توجه داشت که شاخص توسعه‌ی انسانی وابستگی زیادی به هزینه‌ی سرانه‌ی ناخالص استان داشته و حاکی از آن است که لازمه‌ی دست‌یابی به توسعه‌ی انسانی بالا، دست‌یابی به رشد اقتصادی است.

همچنین، لازمه‌ی کاهش تفاوت‌های موجود بین شاخص توسعه‌ی انسانی و سطح متوسط کشور، بهره‌مندی متناسب استان از مواهب، امکانات، سرمایه‌ها و در نهایت منافع حاصل از رشد اقتصادی کل کشور است. لذا چنانچه توسعه‌ی استان به مفهوم توسعه‌ی پایدار آن مورد توجه باشد، شاخص توسعه‌ی انسانی می‌تواند یکی از شاخص‌های مهم استان ایلام تلقّی شود. از این رو باید در زمینه‌ی افزایش سرمایه‌گذاری جهت باسوادی در ترکیب بزرگسالان، مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، شناخت زمینه‌های مولّد اقتصادی برای گسترش اشتغال مولّد در استان، افزایش درآمد سرانه و ارایه‌ی امکانات و توسعه‌ی خدمات بهداشتی توجه داشت تا استان ایلام از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی به رتبه‌های بالاتر ارتقاء یابد.

جدول شماره ۸ وضعیّت توسعه‌ی انسانی و مؤلّفه‌های آن در استان ایلام

ردیف	شرح	استان ایلام	سهم (جایگاه) استان	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
۱	شاخص توسعه انسانی	۰/۶۷۵	۸۵/۴	۲۲	۰/۷۹۰	۰/۸۴۲
	امید به زندگی(از بدو تولد(سال)	۶۴	۹۲/۵	۲۵	۶۹/۲	۷۰/۵
	نرخ باسوادی بزرگسالان(٪)	۶۷	۹۱/۹	۲۲	۷۲/۹	۸۴/۷
	هزینه سرانه ناخالص(هزار ریال)	۱۴۰۹	۷۴/۲	۲۳	۱۸۹۹	۳۰۵۷
۲	شاخص توسعه وابسته به جنس	۰/۵۲	۸۸/۱	۱۸	۰/۵۹	۰/۶۱
	نرخ باسوادی مردان بزرگسال(٪)	۷۴/۴	۹۳/۳	۱۶	۷۹/۷	۸۸/۷
	نرخ باسوادی زنان بزرگسال(٪)	۵۸/۴	۹۰/۱	۱۸	۶۵/۹	۸۰/۴
	سهم نسبی درآمد زنان(٪)	۷/۸	۹۳/۶	۱۸	۹/۴	۸/۷
۳	شاخص توانمندسازی جنسیتی	۰/۲۲۶	۷۵/۳	۲۰	۰/۳۰۰	۰/۴۴۱
۴	شاخص فقر انسانی	۲۳/۷	۱۱۰/۷	۱۵	۲۱/۴	۱۱/۳
	نرخ بیسوادی بزرگسالان(٪)	۳۳	۱۲۱/۸	۱۰	۲۷/۱	۱۵/۳
	هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪ فقیرترین افراد(هزار ریال)	۴۳۵	۱۰۱/۲	۹	۴۳۰	۸۳۲
	هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪ غنی ترین افراد(هزار ریال)	۲۸۶۸	۶۳/۲	۲۳	۴۵۳۷	۷۰۱۱
	جمعیت زیر خط فقر(٪)	۱۹/۱	۹۶/۹	۴	۱۹/۷	۱۹/۴

مأخذ: اطلاعات مستخرج از جداول فوق.

جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج به‌دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که استان‌های: تهران، اصفهان، قزوین، گیلان، فارس و یزد به ترتیب از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی از سایر استان‌ها بالاتر بوده که درمقابل سیستان و بلوچستان، کردستان، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد به دلایل پایین بودن سطح درآمدها، سرمایه‌گذاری زیربنایی و کیفیّت زندگی در پایین‌ترین سطوح توسعه‌ی انسانی نسبت به سایر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند. عامل مشترک در روند توسعه‌ی انسانی بیشتر استان‌ها، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آن‌ها، در مقایسه با شاخص درآمدی، در وضعیّت بهتری قرار دارند.

بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان ایلام(۱۳۸۲) نشان می‌دهد که این استان به لحاظ توسعه‌ی انسانی در وضعیّت نامطلوبی قرار گرفته است، به گونه‌ای که از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی رتبه‌ی ۲۲ را در میان استان‌های کشور داراست. همچنین، از نظرشاخص امید به زندگی در رتبه‌ی ۲۵ با متوسط عمر ۶۴ سال بوده که بیانگر متوسط نسبتاً پایینی است و دلیل آن نیز توزیع نامناسب خدمات و نبود مراقبت‌های بهداشتی به اندازه کافی است. مرگ و میر، به‌ویژه کودکان زیر ۵ سال برابر با (۷۰/۱ درهزار تولد زنده) است، که نرخ بالایی را در استان نشان می‌دهد و از این نظر پس از سیستان و بلوچستان(۸۹/۷)، کردستان(۸۶/۷) و کهگیلویه و بویراحمد(۷۴/۸ در هزار تولد زنده) بیشترین مقدار را در سطح کشور دارا بوده و در این خصوص رتبه‌ی چهارم را به خود اختصاص داده است. که این موضوع نیز یکی از دلایل پایین بودن میزان شاخص توسعه‌ی انسانی در این استان است. همچنین، نرخ باسوادی بزرگسالان ۶۷٪ (حدود ۳۳٪بی سواد) باعث شده است که به طور کلّی به لحاظ شاخص آموزش در رتبه‌ی ۲۲ در سطح کشور قرار بگیرد. از نظر هزینه‌ی سرانه ناخالص می‌توان گفت که به‌دلیل کمبود امکانات، نرخ پایین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری(سهم استان در کل کشور کمتر از ۰/۰۱٪) سرانه‌ای در حدود ۱۴۰۹هزار ریال باشد.

شاخص دیگر، شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس است، که در این استان نرخ ثبت نام ناخالص زنان در آموزش ابتدایی حدوداً ۹۴٪است و با کاهشی حدود ۶۲٪ در دوران متوسطه می‌رسد. از دوره‌ی متوسطه تا دانشگاه نیز یک کاهش شدید تحصیلی اتفاق می‌افتد، زیرا درصد دانشجویان زن کمتر از ۱٪ (حدود۶۳/.٪) است، که این موضوع باعث شده تا مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استان کاهش یابد و نسبت به سایر استان‌های کشور کمتر شود. بدین صورت که نرخ فعالیّت اقتصادی زنان حدوداً

۱۳٪ بوده که عمده‌ی آن در فعالیّت‌های فامیلی و خانوادگی بدون مزد است، لذا با توجه به این موارد استان ایلام از نظر شاخص توانمندسازی جنسیّتی در بین استان‌های کشور با رتبه‌ی ۲۰ قرار گرفته، که فاصله‌ی زیادی نسبت به متوسط کشور (۳۰۰/.)دارد و در سطح نامطلوبی قرار گرفته است، به طوری که سهم زنان در کل نیروی کار حدود ۱۱٪ است و از نظر شاخص سهم نسبی آنان از درآمد استان، بـه حـدود ۸/(۷/۸٪)محـدود گردیـده است که به لحاظ سهم بیشتر مردان در منابع درآمد خانوارها، باعث تشدید قدرت تصمیم گیری آنها در زندگی روزمره شده است.

از نظر شاخص فقر انسانی، حدود ۲۰٪ جمعیت استان ایلام زیر خط فقر زندگی می کنند. به لحاظ جمعیّـت زیر فقر، رتبه چهارم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است، یعنی چهارمین استان فقیر کشور به شمار می‌رود. نسبت در آمد ۲۰٪ فقیرتـرین خانوارهـا بـه ۲۰٪ ثروتمنـدترین آنهـا در اسـتان ایـلام حـدود ۱۵٪ می‌باشد. این نسبت همچنین نشان می‌دهد که شکاف درآمدی عمیقی بـین سـطوح مختلـف درآمـدی وجـود دارد.این فاصله طبقاتی هم در مناطق شهری و هم مناطق روستایی با شدّت بیـشتری وجـود دارد و ایـن موضـوع باعث شده تا همه‌ی مردم قادر به استفاده از امکانات مختلف نباشند.

این استان یکی از استان‌های جوان کشور است، که از یکسو با نرخ بیکاری بالا(حدود۲۲- ۲۰٪) و از سـوی دیگر با درآمد سرانه‌ی پایین، حجم زیادی از جمعیّت، حداقل‌های قابل قبول معیشت را ندارند.

در نهایت می‌توان گفت که استان ایلام از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در میـان اسـتان‌هـای کـشور در جایگاه نامناسبی قرار گرفته است، بدین صورت که از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی رتبه‌ی۲۲، شـاخص توسـعه وابسته به جنس در رتبه‌ی ۱۸، شاخص توانمندسازی جنسیّتی در رتبه‌ی ۲۰، شاخص فقر انـسانی در رتبـه‌ی ۱۵ و جمعیت زیر خط فقر آن حدود ۲۰٪ چهارمین استان فقیر کشور بوده، که وضعیّت نامطلوب این اسـتان ناشـی از عواملی از این قبیل است: کمبود امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...، پایین بودن هزینه‌ی سرانه ناخـالص و درآمد سرانه، نرخ اندک پس انداز و کمبود سرمایه گذاری، امید به زندگی پایین و میزان بـالای بـی سـوادی بزرگسالان(حـدود ۳۳٪). تنها مؤلفه‌ای که مقداری توسعه‌ی انسانی را در استان ایلام تقویـت کـرده اسـت، نـرخ ترکیبی ثبت نام درکلیه‌ی مقاطع تحصیلی (۸۳/۲٪) است که عمده‌ی آن تا مقطع دیپلم بوده و متأسفانه به دلایـل گفته شده در بالا، این استان از این نرخ بالای ثبت نـام و ایـن مـوج عظـیم متقاضـی تحـصیل، سـودی نکـرده و آموزش در آن حدّی که مورد نیاز است نتیجه نمی‌دهد. بدین لحـاظ، افـزایش سـرمایه گـذاری بـرای افـزایش

باسوادی در ترکیب بزرگسالان استان از یکسو، و شناخت زمینه‌هـای مولّـد اقتـصادی و سـرمایه‌گـذاری بـرای گسترش و اشتغال مولّد در استان، به گونه‌ای که منجـر بـه افـزایش درآمـد سـرانه و ایجـاد امکانـات اقتـصادی، اجتماعی مردم شود، از سوی دیگر، می‌تواند در افزایش میزان توسعه‌ی انسانی مؤثر باشد. در نهایت این که باید به مؤلّفه‌های شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، بخصوص در زمینـه‌ی سـطوح آموزشـی، مـشارکت زنـان در امـور سیاسی، اجتماعی واقتصادی، درآمد سرانه و ارایه‌ی امکانات و توسعه‌ی خدمات بهداشتی در این استان محروم، توجه داشت تا در آینده‌ی نزدیک وضعیّت این استان از نظر توسعه‌ی انسانی بهبود یافته و موقعیّت آن میان سایر استان‌های کشور مطلوب گردد.

منابع و مآخذ

۱.احمدیان، امیر (۱۳۸۰): *اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۷۸*، سازمان مدیریت وبرنامه ریزی کشور، تهران.

۲. بشیرزادگان، فرشاد(۱۳۸۰): «*محیط زیست و توسعه‌ی پایدار*»، فصلنامه محیط زیست، (۳۶): ۶ پاییز.

۳.پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی(۱۳۸۱): *نظریه‌های توسـعه‌ی روسـتایی*، چـاپ اول، انتـشارات سـمت، تهران.

۴. پورمحمدی، محمدرضا و نادر زالی(۱۳۸۳): «*توسعه‌ی انسانی، چالش‌ها و چشم‌اندازها(بانگاهی به شاخص‌های توسعه انسانی در ایران)*»، نشریه‌ی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز (۱۵): ۱۰، بهار.

۵. پورنجف، حیران(۱۳۸۳): «*بررسـی وضـعیت اجتمـاعی، سیاسـی و فرهنگـی زنـان۴۹-۱۵سـاله منـاطق شـهری ایـلام*»، فصلنامه‌ی فرهنگ ایلام(۱۲و ۱۱)، پاییز و زمستان.

۶. تیلر، دانیل و کارل، ای، تیلر(۱۳۷۸): *توسعه‌ی انسانی پایدار متکی به جامعـه*، (ترجمـه)، انتـشارات توسـعه‌ی روسـتایی، تهران.

۷. حسین زاده دلیر، کریم(۱۳۸۰): *برنامه ریزی ناحیه‌ای*، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.

۸ دارابی، علی(۱۳۷۹): «*توسعه‌ی پایدار، مفاهیم و محدودیت‌ها*»، فصلنامه‌ی مسکن و انقلاب، (۸۹) : بهار.

۹. زنگی‌آبادی، علی و مهین نسترن(۱۳۸۰): «*گفتمان تمدن‌ها: اصولی ترین راهکار دست‌یابی به توسعه‌ی پایـدار انـسانی*»، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی –اقتصادی(۱۶۸-۱۶۷): ۱۵، مرداد و شهریور.

۱۰. زیاری، کرامت اله(۱۳۷۸): *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.

۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور(۱۳۷۹): *گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران*، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.

۱۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور(۱۳۸۲): *گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۲ و نظارت بر عملکرد چهارساله‌ی اول برنامه‌ی سوم توسعه*، جلد اول، تهران.

۱۳. صفوی، بیژن(۱۳۸۳): «*نگاهی به مبانی توسعه در استان ایلام با تاکید بر متغیرهای فرهنگی*»، مجموعه مقالات بررسی موانع فرهنگی توسعه با نگاه ویژه به استان ایلام، چاپ اول.

۱۴. غفرانی، حسین، و دیگران(۱۳۸۲): *گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۰۳*، اهداف توسعه هزاره:پیمانی میان ملتها برای پایان دادن به فقر، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.

۱۵.ملکی، سعید(۱۳۸۲): «*شهر پایدار و توسعه‌ی پایدار شهری*»، فصلنامه‌ی مسکن و انقلاب، (۱۰۲):۳۴-۵۴، تابستان.

۱۶.ملکی، سعید(۱۳۸۴): «*نگاهی به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی درایران*»، مقاله‌ی ارائه شده به نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات وعلوم انسانی، دانشگاه شهیدچمران اهواز.

۱۷. نظری، اصغر (۱۳۸۰): «*تحلیلی بر مقایسه‌ی گزیده شاخص‌های مهم توسعه‌ی انسانی ایران و کشورهای همجوار(۱)*»، مجلّه‌ی رشد آموزش جغرافیا(۵۴): زمستان.

18. Hijab,Nadia (2003):*Using process indicators to monitor maternal health.Background note for Human Development Report 2003*.United Nations Development programme, Human Development Report Office, New York.

19.UNDP(2003): *Measuring healthy life expectancy.Background note for Human Development Report 2003*.United Nations Development Programme, Human Development Report Office, New York.

20.-------(2004): *HDR 2004*. [*www. undp. org/ hipc/ progress. to. date/ status_ table_ Mar 03. pdf*].

21.UN (United Nations) (2003a): *Millennium indicators database*. Department of Economic and Social Affairs, Statistics Division, New York. [*http://millenniumindicators.un.org*].

22.-------(2003b): *World population prospects 1950-2050:The 2002 Revision. Database*. Department of Economic and Social Affairs,Population Division, New York.

23.-------(2002): *World urbanization prospects: The 2001 Revision*. Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York.

24. www.donya-e-eqtesad.com.its/connect/archives-3k-similarpages/links موقعیّت ایران از نظر توسعه‌ی انسانی، ۱۳۸۴

25.www.omran.net/tsb.mpo/framework.jsp?sid.35/20-35.htm «شاخص‌های توسعه‌ی انسانی ایران در سال ۲۰۰۵، ۱۳۸۴.